

## حقوق تجارت

یا برای سهام خود امتیازاتی قائل میشوند که اگر صاحبان سهام در اول توجه بآن نکنند بعد ها می بینند که با وجود اینکه شرکت منفعت دارد چیزی که قابل باشد بآنها نرسد

یا حصه های غیر نقدی در شرکت گذاشته و آن حصه ها را خیلی بیش از آنچه ارزش دارند قیمت میگذارند و بآن نسبت در منافع و تقسیم دارائی شرکت سهیم میشوند

مدیران شرکت چون مسئولیتشان مثل سایر شرکاء محدود است باندازه که در شرکت های تضامنی یا نسبی ممکن است دلسوزی بنمایند در اینجا نخواهند کرد و ممکن است در نتیجه بی احتیاطی آنها یا در نتیجه سود معینی که داشته باشند منافع شرکت حیف و میل بشود

در شرکت سهامی اگر چه مدیر ها انتخابی خواهند بود و شرکاء در انتخاب مدیرها دخالت دارند ولی دسته بندی ها و تباری هائی بعمل میآید که غالباً اداره شرکت بدست چند نفر که سرمایه بیشتر دارند افتاده و عملیات شرکت متوجه بطرفی میشود که بیشتر با منافع شخصی آنها موافقت داشته باشد

### لزوم مقررات دقیق قانونی

معاینی که ممکن است از شرکت سهامی بروز کند غیر قابل احترام نمی باشد البته دلسوزی مدیران و صداقت مؤسسين شرکت سهامی باندازه که در شرکت های تضامنی یا نسبی دارند نمی باشد - ولی این نقص در مقابل فواید

این اشخاص بنام مؤسس پیش افتاده منافع بزرگ و فوق العاده ولی موهوم را بوسیله نشریات مخصوص و روزنامه ها در انظار جلوه میدهند - شرکتی برای کشف معادن طلا در فلان نقطه تشکیل میدهند و متخصصین اعلام میکنند که بهترین طلا در آنجا است و بارزاترین مخارج بدست آمده شرکاء را بزودی غرق در منافع خواهد ساخت منتها این معدن طلا اصلا وجود ندارد یا در حقیقت مقصود همان اشخاص بیچاره هستند که باین حرفها گوش داده جیب مؤسسين را پر از طلا خواهند کرد .

بنوشتن و گفتن اکتفا نمیشود سهامی که خود تقبل کرده اند در بازار بمعرض فروش میگذارند و با همدستی بعضی بانکدار ها و دلالتها معاملات موهومی روی آن اسناد مینمایند بطوریکه تمام مردم در شکفت میمانند که با چه سرعت قیمت آن سهام بالا میرود - هر کس بخيال می افتد که از این نعمت خداداد استفاده کند و مؤسسين برای ارفاق با اشخاص حاضر میشوند سهام خود را بفروشند .

یا در شرکتی که تأسیس میکنند یکده سهام برای خود مخصوص میکنند بعنوان اینکه مؤسس بوده اند - البته این حق را تا حد مشروع باید داشته باشند ولی اگر بیش از حد انصاف برای خود سهم قابل شوند مثل این است که از سهم دیگران که سرمایه میآورند بردارند

بین صاحبان سهام تقسیم میشود و حال آنکه دارنده سند قرضه فقط مستحق ربح معینی است که با او قرار شده است.

ب - صاحب سهم در ضرر شرکت سهیم خواهد بود ولی دارنده سند قرضه مادام که شرکت سرمایه دارد طلبکار محسوب شده و حق خود را استیفاء مینماید بنابراین تقسیم منافع همیشه مؤخر بر تأدیه ربح و اقساط قرضه خواهد بود.

ج - صاحب سهم در دارائی شرکت سهیم است و در موقع انحلال ممکن است علاوه بر آنچه برای خرید سهم پرداخته است حصه از دارائی باو برسد و حال آنکه دارنده سند قرضه در هنگام انحلال فقط حق وصول سرمایه طلب و ربح پس افتاده آنرا دارد.

د - دارنده سهم در اداره شرکت دخالت دارد ولی دارنده سند قرضه شخصی است خارج از شرکت و بهیچوجه حق دخالت در اداره شرکت ندارد.

### انواع سهام

سهام با اسم یا بی اسم

سهام ممکن است با اسم باشد یعنی در روی آن نام شخص معینی قید گردد. در اینصورت انتقال آن تابع مقررات مخصوص است باین معنی که « انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت ثبت برسد - صاحب سهم باید شخصاً یا توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضاء نماید »

بیشتر وقتی سهام اسمی صادر میشود که شرکت می-خواهد از ورود بعض اشخاص در شرکت جلوگیری نماید چنانکه ممکن است در اساسنامه قید شود که سهام اسمی فقط بین اشخاصی که تابعیت کشور را دارند قابل انتقال باشد - یا اگر شرط مخصوصی نکرده باشند باز هم لزوم ثبت در دفتر شرکت یکنوع نظارتی را در انتقالات تسهیل میکند و مدیران میتوانند سیاست شرکت را در نظر بگیرند با اضافه سهام با اسم برای وصول مالیات مفید تر است.

بسیاری که شرکت سامی دارد قابل اغماض است و باید بجای دلسوزی و نفع شخصی مسئولیت و وظیفه شناسی را برقرار کرد.

سوء استفاده که اشخاص ممکن است از این وسیله بنمایند نباید موجب آن شود که جامعه از فوائد شرکت سهامی محروم بماند - هر ترقی که ظهور بکند بدست اشخاص خادم وسیله رفاه و آسایش عموم است و بدست اشخاص خائن چراغ در دست دزد.

وظیفه مقنن است که از فساد جلوگیری نماید و اگر وسائل جلوگیری کافی نشد مفسد را مجازات سخت بدهد تا موجب عبرت دیگران گردد.

به همین لحاظ شرکت های سهامی در هر کشور مورد توجه مخصوص قانونگذار بوده و همواره در صدد بوده اند که مقررات مربوط با آنرا تکمیل کنند.

### سهام و قرضه Shre Octon

سهام عبارت از سندی است که حاکی از تملك حصه معینی در شرکت بوده و بدارنده آن حق میدهد که از تمام مزایای مقرر در اساسنامه شرکت استفاده کند.

سهام یا در هنگام تشکیل شرکت بوجود میآید یا بعدها که برای ازدیاد سرمایه شرکت وجوه جدیدی لازم باشد غیر از تهیه سهام جدید و افزودن سرمایه شرکتی که وجود دارد وسیله دیگری برای تهیه پول خواهد داشت و آن قرضه است.

سند قرضه (Obbigation) (Bard) سندی است که حاکی از وجود مبلغی طلب دارنده آن از مؤسسه صادر کننده است.

### تفاوت بین سهم و قرضه

تفاوتهای بین سهم و قرضه ناشی از نوع طبیعت آنها و از اینقرار است:

۱ - صاحب سهم شریک در منافع است و نفع او محدود نیست هر قدر شریک نفع کند پس از وضع مخارج